

آیت‌الله خامنه‌ای روز یکشنبه در سخنان خود در

سی‌وپه‌ارمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) به ابعاد گسترده شخصیت سرآمد و کم‌نظیر ایشان و تحولات بزرگی که به‌دست ایشان رقم خورد اشاره کردند. رهبر انقلاب این تحولات عظیم را در سه سطح برشمردند که عبارتند از: به‌وجود آوردن انقلاب اسلامی در سطح کشور، راه‌اندازی جریان بیداری اسلامی در سطح امت اسلام و زنده کردن فضای معنویت در سراسر جهان. در گزارش «امام عقلانیت، امام نه به انفعال» که پنجشنبه هفته گذشته گذشته به چاپ رسید، به برخی از ویژگی‌های اساسی شخصیت و منشی سیاسی امام پرداخته بودیم. در این گزارش می‌خواهیم با بررسی ۳۴ سال رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، نقش ایشان را در حفظ و پیشبرد تحولاتی که امام ایجاد کرده بودند بررسی کنیم.

۱۱۱

۵ سایه جنگ را چه کسی از سر کشور برداشت
دو سال پس از پایان جنگ ایران و عراق، صدام به علت اختلافات با دولت کویت بر سر بدهی‌های عراق به این کشور، به کویت حمله کرد و طی سه روز این کشور را اشغال کرد. آمریکا در پاسخ به این اقدام صدام با تشکیل ائتلافی با همکاری ۳۵ کشور به عراق حمله کرد تا عراق را وادار به عقب‌نشینی از کویت کند. در واکنش به حمله آمریکا عده‌ای از نمایندگان مجلس سوم با تشبیه صدام به «خالد بن ولید»، حمله آمریکا به عراق را جنگ علیه اسلام خواندند و معتقد بودند باید با نادیده گرفتن اقدامات صدام علیه کشورمان، در این جنگ او را یاری کنیم. اقدامی که ایران را عملاً در مقابله نظامی با همه کشورهای عضو ائتلاف آمریکا قرار می‌داد. آن هم در شرایطی که تنها دو سال از پایان جنگ تحمیلی گذشته بود. اما رهبر انقلاب در این شرایط با دفاع از سیاست «بی‌طرفی فعال»، اعلام کردند که آمریکا و عراق «به دلایل مادی بودن، با هم تعارض پیدا کرده‌اند. این‌طور نیست که یکی الهی و یکی هم مادی است. جنگ اسلام و کفر نیست.» و به این صورت کشور از دام ورود به جنگی پرهزینه و بی‌فایده گریخت. ۱۱ سال بعد نیز کشور در خطر تله‌ای مشابه اما به ظاهر وارونه بود. این بار عده‌ای با توسل به کلیدواژه «دشمن مشترک» خواستار همراهی ایران با آمریکا در جریان حمله این کشور به افغانستان و عراق شدند. البته این خواسته صرفاً پوششی بود برای وادار کردن ایران به تسلیم دربرابر آمریکا. چند روز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر که در شهریور ۱۳۸۰ رخ داد جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد که کشورش علیه القاعده و تروریسم وارد جنگ خواهد شد. بوش معتقد بود: «هر ملتی در هرجای دنیا باید تصمیم خود را اتخاذ کند. با طرف ما هستید یا طرف تروریست‌ها.» اولین کشوری که به این بهانه مورد یورش آمریکا قرار گرفت افغانستان بود. اما این یورش تمام واکنش آمریکا به حوادث ۱۱ سپتامبر نبود و تنها سرآغاز بازگشت آمریکا به منطقه بعد از جنگ اول خلیج‌فارس بود.

در بهمن‌ماه همان سال، بوش در سخنرانی سالانه خود در کنگره که به‌صورت سنتی یکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های سالانه رئیس‌جمهور آمریکا به حساب می‌آید، ایران، عراق و کره‌شمالی‌را «محور شرارت» خواند و این کشورها را به حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی متهم کرد. این سخنرانی در حقیقت تهدید حمله نظامی به این کشورها بود. در اوایل سال ۸۱ درحالی‌که صرفاً چند ماه از سخنرانی بوش گذشته بود منطقه‌ای در شرایطی قرار داشت که برخی از تحلیلگران داخلی و خارجی حمله آمریکا به ایران را قریب‌الوقوع می‌دانستند. همین تحلیل منجر شد ۱۲۷ نفر از نمایندگان مجلس ششم به رهبری نامه‌ای با محتوا و لحنی کم‌سابقه بنویسند. آنها با بی‌سابقه خواندن شرایط وقت کشور در تاریخ معاصر ایران اذعان داشتند: «شکاف‌های سیاسی و اجتماعی با تهدید خارجی و برنامه آشکار دولت ایالات متحده آمریکا(به‌عنوان قدرتی که دربرابر خود مانعی نمی‌بیند) برای تغییر نقشه ژئوپلتیک منطقه هم‌زمان شده و نظام ناچار به کنش و واکنش در برابر این برنامه است.» این نمایندگان معتقد بودند: «با این حال و روز کشور، فرصت چندانی باقی نمانده است» و «اگر جام زهری باید نوشید قبل از آنکه کیان نظام و مهم‌تر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد باید نوشیده شود.» بخشی از سیاستمداران کشور در آن زمان با به‌رسمیت شناختن دوگانه «یا ما یا علیه ما» که توسط بوش ایجاد شده بود سعی داشتند با فشار به آیت‌الله خامنه‌ای ایران را دربرابر آمریکا وادار به تسلیم کنند. این تلاش در هنگام حمله آمریکا به عراق در روزهای پایانی سال ۸۱ شدت گرفت و تنفر عامه مردم از صدام به دلیل جنگ تحمیلی، به دستاویز دیگری برای اصرار جهت محقق ساختن این هدف تبدیل شد. خطر تله دوم وقتی بیشتر می‌شود که بداندیم افراد جنگ‌طلب دیگر تنها اقلیتی در مجلس نیستند بلکه بخش قابل‌توجهی از مسئولان کشور مستقیم یا غیرمستقیم با محتوای نامه موسوم به «جام زهر» موافق بودند. اما در این شرایط آیت‌الله خامنه‌ای با شکستن دوقطبی بوش باز هم ایران را از خطر یک جنگ پرهزینه و بی‌فایده که تنها در راستای منافع آمریکا بود رهانیدند. بدون آنکه برخلاف ادعای نمایندگان حتی یک وجب از خاک ایران از دست

سیاست

آیت‌الله خامنه‌ای چگونه در بزنگاه‌های مهم تاریخی حافظ گفتمان انقلاب، منافع ملی و تمامیت ارضی ایران بودند

امین مکتب خمینی



به کار مجلس یازدهم نیز برخی به دنبال این بودند تا در همان روزهای اول استیضاح روحانی را کلید بزنند. اما در اولین دیدار نمایندگان دوره یازدهم با رهبری ایشان مجدداً حمایت خود از لزوم استقرار دولت را تکرار کردند: «بنده اعتقاد راسخ دارم که دولت‌ها بایستی تا آخرین روز مسئولیت‌شان تلاش کنند و کار کنند و وظایف خودشان را انجام دهند، بعد امانت را به دولت بعدی تسلیم کنند.» حمایت‌های مکرر ایشان از دولت‌های گوناگون حتی با وجود اختلاف‌نظرهایی که گاه داشته‌اند از منطق ثابت و مشخصی پیروی می‌کند؛ منطقی که ایشان بارها به آن اشاره کرده‌اند: «من مردم‌سالاری دینی را صادقانه قبول کرده‌ام؛ هر کسی را که این مردم انتخاب بکنند، ما او را رئیس می‌دانیم، او را مسئول می‌دانیم، کمک به او را لازم می‌دانیم و وظیفه خودمان می‌دانیم؛ با همه دولت‌ها این‌جور بوده، با این دولت هم همین‌جور است.» (۱۸ دی ۹۶)

۵ اهدای فرصت مذاکره و احیای قدرت چانه‌زنی

با شروع به کار دولت یازدهم تلاش برای رفع تحریم‌های ایران از طریق مذاکره با کشورهای ۱+۵ با قوت بیشتری انجام شد. سرانجام پس از حدود دوسال از روی کار آمدن دولت روحانی در تیرماه ۹۴، ایران و کشورهای ۱+۵ به توافقنامه برجام رسیدند. گرچه از همان ایام انتقادهای زیادی به این توافقنامه وارد بود و افرادی به هرگونه مذاکره با آمریکا بدبین بودند اما رهبر انقلاب با توجه به منشی همیشگی خود بنای اخلاخ در سیاست‌های دولتی را -که با پشتوانه رای مردم سر کار آمده بود- نداشتند و با تعیین شروطی با اجرای برجام موافقت کردند. اما بعد از خروج آمریکا از برجام، ایران در شرایطی بود که تقریباً همه اهرم‌ها و امتیازاتش را خرج کرده بود اما با خروج آمریکا همه دستاوردهای بالقوه خود را نیز- فارغ از اینکه چقدر بالفعل شده بودند- از دست داده بود. در چنین شرایطی ایران نیاز داشت با اهرم‌سازی مجدد قدرت، چانه‌زنی بر سر حقوق از‌دست‌رفته خود را بازیابد. در آذرماه ۹۹ مجلس با توجه به خروج آمریکا از برجام و شروط ۹گانه رهبری برای تأیید مصوبه شورای عالی امنیت ملی درمورد پذیرش برجام در مهرماه ۹۴، قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها را به تصویب رساند. در بخشی از این اصول آمده بود: «در اعلام اتحادیه اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریم‌ها به‌کل برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی‌بر اینکه ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به‌منزله نقض برجام است» و «در سراسر دوره‌هشت‌ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (ازجمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هریک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند.» این قانون که بر مبنای شروط رهبری تنظیم شده بود دولت و سازمان انرژی اتمی را موظف می‌کرد تا تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد را از سر بگیرد و نیاز کشور برای مصارف صلح‌آمیز به اورانیوم بالای ۲۰ درصد را هم فراهم کند. همچنین طبق این قانون دولت موظف می‌شد درصورت عدم اجرای کامل تعهدات کشورهای ۱+۴ دوماه بعد از تصویب این قانون نظارت‌های فریادمانی آژانس انرژی اتمی را نیز متوقف سازد. این اقدامات که نقض تعهدات برجامی ایران به حساب می‌آمدند، باعث شدند ایران مجدداً اهرم‌های

مشارکت بی‌سابقه‌ای رقم خورد با ادعای تقلب گسترده توسط نامزدهای شکست‌خورده سرآغاز چند ماه آشوب گسترده در کشور و ایجاد شکاف‌های عمیق سیاسی و اجتماعی در کشور شد. گرچه مدعیان تقلب هیچ وقت سندی در دفاع از ادعای خود منتشر نکردند اما تکرار قاطعانه این ادعا منجر به تثبیت این شایعه در ذهن برخی از مردم شد و عده‌ای هم تلاش داشتند تا با تعمیم این ادعا سایر انتخابات‌های کشور، از نظام انتخاباتی کشور سلب اعتبار کنند و بخشی از مردم را برای همیشه نسبت به صندوق‌های رای بی‌اعتماد کنند. در همین شرایط عده‌ای از سیاستمداران جناح راست نیز با سوءاستفاده از کلیدواژه «فتنه» و برخورد با فتنه‌گران در تلاش بودند تا برای همیشه افراد و جناح‌های سیاسی طرف مقابل را از صحنه سیاسی کشور حذف کنند. برخی حتی رهبری را نیز متهم می‌کردند که به دنبال «جراحی نظام» و حذف دسته‌جمعی برخی افراد از فعالان عرصه سیاسی کشور است. اما ایشان در یک دیدار خصوصی در اوج وقایع آن سال اظهار داشتند: «گاهی حرکات طبیعی نظام منجر به جذب و دفع‌هایی منجر می‌شود که این روند طبیعی است. امتحان‌های متعددی وجود دارد که عده‌ای قبول و عده‌ای دیگر مردود می‌شوند. جریان اصلی انقلاب هم به راه خود ادامه خواهد داد. اما اینکه می‌گویند ما به دنبال جراحی انقلاب هستیم و می‌خواهیم برخی را حذف کنیم و نالایق بدانیم، این مطلقاً مورد اعتقاد من نیست.» ایشان در همین دیدار خصوصی که بخشی از محتوای پس از ۹ سال منتشر شد اضافه کردند: «همان زمانی که آقای خاتمی وزیر بودند به ایشان گفتم اگر جریان چپ در کشور وجود نداشت من لازم می‌دانستم یک جریان چپ به وجود بیاورم تا برآیند حرکت آقای هاشمی و حرکت این جریان به یک حرکت معتدل در کشور منجر شود.» ایستادگی رهبر انقلاب دربرابر کسانی که به دنبال جراحی سیاسی بودند و از طرف دیگر دفاع ایشان از ساختار انتخابات و صندوق‌های رای منجر به شکل‌گیری انتخابات پرشور و پرشارکت سال ۹۲ شد. انتخاباتی که اتفاقاً منجر به روی کار آمدن دولتی شد که اگر نگویم همه آن، حداقل بخشی از افراد آن از کسانی بودند که طرفداران نظریه «حذف حداکثری» به دنبال کنار زدن آنها از صحنه سیاست کشور بودند.

۵ جلوگیری از برکناری دولت

با شروع بحران‌های اقتصادی از سال ۹۶ و رخ دادن اعتراضات اقتصادی دی‌ماه همان سال، انتقادات به‌دولت روحانی که در ماه‌های ابتدایی دوره دوم خود به سر می‌برد افزایش پیدا کرد. با افزایش بحران‌ها و به‌خصوص بعد از اعتراضات به گرانی بنزین در آبان ماه ۹۸، این انتقادات به اوج خود رسید و حتی زمزمه‌های استیضاح روحانی توسط مجلس دهم نیز در مقاطع مختلف به گوش می‌رسید که البته هیچ‌گاه جدی نشد. آیت‌الله خامنه‌ای در مردادماه سال ۹۷ اظهار داشتند: «اینهایی که خطاب می‌کنند به دولت که بایستی دولت برکنار بشود… دارند در نقشه دشمن کار می‌کنند.» عده‌ای دیگر هم معتقد بودند که دولت خودش باید استعفا دهد. اما در همه این مقاطع رهبر انقلاب به پشتوانه رای مردم از دولت دفاع کردند. حسن روحانی در بهمن‌ماه ۹۸ در نشست خبری خود گفت که در دو مقطع استعفای دولت را نزد ایشان مطرح کرده که در هر دو بار با مخالفت قاطع رهبری روبه‌رو شده و به نقل از ایشان گفت: «من اجازه نمی‌دهم دولت حتی یک ساعت زودتر مسئولیتش را تحویل دهد.» بعد شروع

برود یا در نقشه ژئوپلتیک منطقه تغییری حاصل شده باشد.

۵ صیانت از اصل انقلاب در برابر رادیکالیسم چپ

مطابق آنچه برخی از سران اصلاح‌طلبان ازجمله سیدمحمد خاتمی به آن معترفند، در زمان دولت دوم خرداد برخی چهره‌های وابسته به جناح چپ برای سوق دادن جامعه به سمت سکولاریسم و لائیسیتیه تلاش کرده‌اند. در خاطرات ۲۸ فروردین سال ۷۸ هاشمی چنین آمده است: «آقای خاتمی از وضع جاری کشور اظهار نگرانی کرد و گفت، به سوی سکولاریسم پیش می‌رویم… امروز تحولات باعث خشم محافل مذهبی و حوزوی شده است.» چنین اظهاراتی در ۲۸ فروردین سال ۷۹ نیز از زبان خاتمی تکرار می‌شود. در روزنوشت ۲۸ فروردین ۷۹ هاشمی آمده است که آقای خاتمی در ملاقات با فرماندهان سپاه پذیرفته که کشور به سوی لائیسزم حرکت می‌کند ولی علاجی را مشخص نکرده است. آنچه باعث می‌شد چنین تلاش‌هایی برای اجرا اشاره کرد. رهبر انقلاب در ابتدا کند، وجود برخی چهره‌های چپ رادیکال در دولت خاتمی بود. چهره‌هایی که رهبر انقلاب بارهاضمن حمایت از رئیس‌جمهور وقت، در تقابل با آنها موضع‌گیری کرد. به‌طور مثال در ادامه همین روزنوشت ۲۸ فروردین ۷۹ این خاطره مورد اشاره قرار گرفته که خاتمی چند گلابه از رهبری را در دیدار با هاشمی طرح کرده که ازجمله آن می‌توان به برخورد با نهضت آزادی و عدم همکاری وزارت اطلاعات برای اجرا اشاره کرد. رهبر انقلاب در خطبه دوم نمازجمعه ۲۶ فروردین با توضیح در مورد مفهوم خشونت‌طلبی و اصلاح‌طلبی در اسلام، جریان دوم خرداد و رسانه‌های منتسب به آنها را که هرگونه خشونتی را ولو در موارد قانونی نفی می‌کردند، مورد انتقاد قرار دادند. ایشان همچنین در اجتماع جوانان که در تاریخ ۱ اردیبهشت ۷۹ برگزار شد ضمن انتقاد شدید از عملکرد برخی مطبوعات در قداست‌شکنی مسائل اساسی اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی، با بیان اینکه برخی از مطبوعات به پایگاه‌های دشمن تبدیل شده‌اند اهتمام برخی از مطبوعات به تشویش افکار عمومی، ایجاد اختلاف و بدبینی در مردم و خوانندگان نسبت به نظام را شدیداً تقییح و نکوهش کردند و گفتند گویا ۱۰ تا ۱۵ روزنامه از یک مرکز هدایت می‌شوند. از تیرهای شبیه به هم در قضایای مختلف استفاده می‌کنند، قضایای کوچک را بزرگ جلوه می‌دهند و تیرهایی استفاده می‌کنند که هرکس به آنها نگاه کند تصور خواهد کرد که در این کشور همه‌چیز از دست رفته است. آنها روح امید را وروح اعتماد به مسئولان را در آحاد مردم تضعیف می‌کنند و نهادهای اصلی کشور را مورد اهانت قرار می‌دهند.» رهبر انقلاب در آخرین دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای دولت هشتم بار دیگر تلاش گروهی برای قرار دادن دولت خاتمی در موضع تقابلی با نظام را نکوهش کرده و گفتند: «خیلی‌ها از سال ۷۶- از اول تشکیل این دولت – می‌خواستند آقای خاتمی را در موضع مقابله و مواجهه با نظام قرار دهند؛ خیلی هم تلاش کردند؛ ما شاهد بودیم. البته ریشه و مینا و سلسله‌جینان این تلاش‌ها در بیرون از این مرزهاست؛ منتها کسانی هم متأسفانه همان انگیزه‌های فاسد و پلید را در داخل انعکاس می‌دادند.»

۵ جلوگیری از سلطه جریان حذف حداکثری

وقایع پس از انتخابات سال ۸۸، یکی از تلخ‌ترین مقاطع تاریخ بعد از انقلاب به حساب می‌آید. انتخاباتی که در آن

چانه‌زنی‌اش را بازیابد. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اخیر خود با نمایندگان مجلس این قانون را قانونی «اساسی» و «مهم» خواندند که «کشور از سرگردانی در قضیه هسته‌ای نجات داد.»

۵ نه جنگ نه انفعال

بعد از شهادت شهید سلیمانی یک مطالبه عمومی در کشور برای گرفتن انتقام ایشان شکل گرفت. انتقامی که برخی برای آن صرفاً راهبرد تقابل حداکثری را پیشنهاد داده و ایده عملیاتی برای اجرای آن نداشتند. چنین مشیی قطعاً کشور را به یک جنگ همه‌جانبه با آمریکا و متحدانش سوق می‌داد، حال آنکه به روش‌های کم‌هزینه‌تر دیگری می‌شد همین تقابل را آغاز کرد و انتقام خون شهید سلیمانی را حداقل تا خروج کامل آمریکا از منطقه ادامه داد. این امر از همان ابتدا مورد تأکید رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. ایشان در پیامی به مناسبت شهادت سردار سلیمانی در روز ۱۳ دی ۹۸ نوشتند: «بعد از حمله به پایگاه عین‌الاسد انتقادات زیادی مطرح شد و برخی معتقد بودند که این اقدام علی‌رغم وسعت و کیفیتی که داشت برای انتقام خون شهید سلیمانی کفایت نمی‌کند. رهبر انقلاب نیز ۱۸ دی ماه ۹۸ در دیدار با مردم قم ضمن تأیید این گزاره بیان داشتند: «بالاخره یک حادثه مهم [شهادت سردار سلیمانی] اتفاق افتاده است؛ بحث انتقام و مانند این حرف‌ها، بحث دیگری است. حالا یک سیلی‌ای دیشب [حمله به عین الاسد] به اینها زده شد؛ این مساله دیگری است. آنچه در مقام مقابله مهم است- این کارهای نظامی به این شکل، کفایت آن قضیه را نمی‌کند- این است که بایستی حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه منتهی بشود.» آنچه رهبر انقلاب در مورد خروج آمریکا از منطقه بیان فرمودند به مرور درحال تحقق بوده و نشانه‌های آن نیز به وضوح قابل رویت است. بعد از خروج آمریکا از عربستان اکنون دولت‌های عربی نیز با کاهش سطح روابط خود با آمریکا به ایران اقبال نشان داده تا پایان حضور آمریکا در منطقه بیش از پیش تصویری واقعی پیدا کند. خروج آمریکا از منطقه‌ای به معنی رهایی یافتن عاملان و آمران اصلی حادثه فرودگاه بغداد تلقی نشده و رهبر انقلاب آذر ماه سال ۹۹ در دیدار با دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم انتقام گرفتن از قاتلان و آمران را نیز مورد تأکید قرار داده و بیان می‌دارند: «قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقام‌شان را پس بدهند؛ آن به جای خودش محفوظ است. اگرچه به گفته یک عزیزی، کفش پای سلیمانی هم بر سر قاتل او شرف دارد و سر قاتل او هم برود، فدیة کفش سلیمانی هم نمی‌شود؛ این هست اما بالاخره غلطی کردند، بایستی انتقام پس بدهند؛ هم آمر، هم قاتل بداندند که در هر زمان ممکن، هر وقت ممکن شد- ما دنبال وقت ممکن هستیم- باید انتقام‌شان را پس بدهند.» راهبرد تقابلی و انتقام‌جویانه رهبر انقلاب باعث شد تا کشور به دور از یک اقدام هیجانی بتواند به مرور دستاوردهایی که از انتقام خون شهید سلیمانی هدف قرار داده بود محقق سازد بدون اینکه هزینه‌های یک جنگ خونین به مردم تحمیل شود.

۵ گفتمان‌سازی پیشرفت علم

اولین بار در دانشگاه امیرکبیر بود که رهبرانقلاب از لزوم نوآوری در تولید علم صحبت به میان آوردند. ۹ اسفند ۷۹ رهبری از لزوم اهمیت به موضوعی گفتند که شاید کمتر به آن توجه شده بود: «آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می‌شود - که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می‌گردد - این است که ده‌ها سال است که ما متون فرنگی و خارجی می‌انگاز می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و براساس آنرا تعلیم و تعلم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سوال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم!» اینکه ما نباید صرفاً مصرف‌کننده علم باشیم نکته‌ای بود که رهبری مورد توجه قرار دادند. مطالبه از دانشجویان و اساتید برای نوآوری و پیشرفت در تولید علم مساله‌ای بود که مدام و بعد از این دیدار مورد مطالبه رهبر انقلاب از جامعه دانشگاهی قرار گرفت. رهبر انقلاب بعدا در دیدار با دانشجویان دانشگاه شیراز در ۱۴ اردیبهشت ۸۷ درباره موضوعی که در دانشگاه امیرکبیر مطرح شد، گفتند: «بنده وقتی مساله نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه در دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارت‌ها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حتی با اساتید صحبت کردم؛ اول‌بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه عمومی است، یک خواست همه دانشگاه‌های کشور است؛ که من هرچا هم می‌روم، از زبان دانشجو مطالبه‌اش را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله دیگر می‌شنوم، و اجرا هم دارد می‌شود. همین نوآوری‌های علمی بسیار، بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولان اجرایی را می‌کشاند دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد.